

نوع مقاله: پژوهشی

## تحلیل جامعه‌شناختی رونق علوم اسلامی در قم معاصر\*

قاسم ابراهیمی پور / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ebrahimipoor14@yahoo.com  orcid.org/0000-0001-5896-5532

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

### چکیده

علوم اسلامی، حدیث، تفسیر، فقه و کلام در دوره معاصر رونقی دوباره یافته‌اند. تبیین علل و زمینه‌های این رونق، مسئله این پژوهش است که با نظریه روش‌شناسی بنیادین و روش تحلیلی مورد تبیین قرار گرفته است. احیای حکمت صدرایی، توسعه علوم تجربی، ظهور رقبای علمی، حضور فلسفه‌ها و علوم غربی و از همه مهم‌تر باور به عدم کفایت آثار موجود، از جمله عوامل معرفتی این امر به‌شمار می‌روند. توجه به نیازهای روز، اتخاذ رویکردهای جهانی و تقریبی، تأسیس مراکز علمی، تدوین آثار علمی و تلاش برای گسترش تعاملات علمی، در زمره عوامل فردی قرار دارند. درخصوص زمینه‌های سیاسی - اجتماعی نیز می‌توان به ظهور استعمار، حکومت‌های استبدادی، مواجهه با غرب، انقلاب اسلامی، تحول در نظام آموزشی و تقسیم کار علمی اشاره کرد. عوامل معرفتی با ایفای نقش علی، و عوامل فردی و عوامل اجتماعی - سیاسی با ایفای نقش اعدادی، رونق علوم یادشده را در قم معاصر به‌دنبال داشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ علوم اسلامی، جامعه‌شناسی علوم اسلامی، رشد و افول علم، ادوار علوم اسلامی.

## مقدمه

با ظهور اسلام و فراهم آمدن بستر مناسب برای رونق تعلیم و تعلم، علوم جدیدی همچون حدیث، تفسیر، فقه و کلام یکی پس از دیگری در سرزمین وحی ظهور یافتند. این علوم در طول پانزده قرن فراز و فرودهای فراوانی را تجربه کردند و در قم معاصر رونقی دوباره یافتند.

بازسازی مدرسه فیضیه و دارالشفاء (۱۳۳۶ق) با همت میرزا محمد فیض (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۱۶)، بازتأسیس حوزه علمیه قم با مهاجرت آیت‌الله حائری در سال ۱۳۴۰، حفظ و تثبیت آن با حضور آیات ثلاث (حجت، صدر و خوانساری) از سال ۱۳۵۵ در شرایط بسیار نامناسب سیاسی و فرهنگی، رونق دوباره با ورود آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۶۴ (زهره‌کاشانی، ۱۳۹۴، ص ۹۹)، و تحول و شکوفایی آن با ظهور امام خمینی ره و ویژگی‌های این حوزه است. به عبارت دیگر، حوزه علمیه قم در دوره معاصر، خود سه دوره تأسیس، تثبیت و تحکیم را به ترتیب از سوی آیت‌الله حائری، آیت‌الله بروجردی و امام خمینی ره پشت سر گذاشته (رضوی، ۱۳۹۶، ص ۶۲۹) و زمینه مناسبی برای رشد علم فراهم آورده است.

ساخت مدارس و کتابخانه‌های متعدد، تأسیس ده‌ها نهاد و موسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تربیتی، جهش چشمگیری انتشارات حوزه، رشد تبلیغات دینی در داخل و خارج از کشور، و تحول در نظام آموزشی و مدیریت حوزه، از جمله پیامدهای این بسترسازی مناسب است. در این میان، رشد قابل توجه تعداد طلاب، ظهور پدیده خواهران طلبه، حضور طلاب خارجی در قم، تأسیس مراکز تخصصی حوزوی و ورود طلاب به عرصه علوم انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در نتیجه وجود چنین بستر مناسبی، علوم حدیث، تفسیر، کلام و فقه رونقی دوباره یافته‌اند. تحلیل و بررسی عوامل معرفتی، تأثیرات فردی اندیشمندان و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی مؤثر بر رونق علوم یادشده در حوزه علمیه قم مسئله‌ای است که در این پژوهش با رویکرد روش‌شناسی بنیادین انجام شده است.

## الف) چهارچوب نظری

تحولات علمی تحت تأثیر دو دسته عوامل معرفتی و غیرمعرفتی در دو رابطه درونی و بیرونی صورت می‌گیرند. ویژگی‌های فردی و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش‌آفرینی دارند و نگاه اندیشمند به هستی، معرفت و انسان، دارای نقشی علی در محتوای علوم است (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۴۱-۶۲). در این پژوهش، زمینه‌های معرفتی و غیرمعرفتی علوم اسلامی را در دوره معاصر تحلیل کرده‌ایم.

## ب) توصیف وضعیت موجود

تنوع آثار و فعالیت‌های حدیثی، مثل مستدرک‌نویسی، موسوعه‌نویسی، مسندنویسی، معجم‌نویسی، فقه‌الحدیث و شرح موضوعی در محورهای غریب‌الحدیث، علل‌الحدیث و ناسخ‌الحدیث، اربعین‌نویسی، احیای نسخ خطی، تدوین آثار

رجالی و درایه، تأسیس مراکز و انتشار نشریات حدیثی، ارائه خدمات رایانه‌ای (مودب، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵)، پژوهش‌های حدیثی در منابع اهل سنت (وفایی، ۱۳۸۷) و توجه مستشرقان به منابع شیعی (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۸۷)، شاهد رونق علوم حدیث در این دوره است.

تفسیر نیز در این دوره رونقی بی‌نظیر یافت؛ تاجایی که برخی قرن چهاردهم را قرن قرآن و عصر تفسیر قرآن (عقیقی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۹۵) و قرن پانزدهم را قرن قرآن و عصر تحول در جریان تفسیرنگاری و تعمق در مسائل کتاب آسمانی نامیده‌اند (همان، ج ۵، ص ۱۷). مهم‌ترین ویژگی این دوره، عرضه مسائل اجتماعی و علمی به قرآن و جست‌وجوی پاسخ و راه‌هایی در قالب تفسیرهای موضوعی است. تنوع گونه‌های تفسیری، مثل تفسیرهای علمی، مذهبی و ادبی (درودی، ۱۳۶۲، ص ۹۶) یا تفسیرهای معطوف به علوم طبیعی، زیستی و اجتماعی (نفیسی، ۱۳۹۷، ص ۲۶)، از جمله ویژگی‌های این دوره است. برخی دیگر، ویژگی مهم این دوره را شکوفایی تفسیرهای موضوعی دانسته‌اند (یداله‌پور، ۱۳۸۳، ص ۸۲).

فقه نیز در این دوره، تحولاتی همچون گسترش برخی از ابواب، مثل مباحث اقتصادی در ابتدای این دوره و مباحث سیاسی پس از انقلاب اسلامی، و همچنین عرصه‌های متنوعی مثل فرهنگ، ظهور جریان تقریرنویسی، تدوین رساله‌های عملیه (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۲)، توجه به مباحث حقوقی و قانون‌گذاری، فعال شدن ظرفیت‌های انتقادی و سیاسی به‌دنبال حضور قدرت‌های استعماری و به‌تبع آن نفوذ فرهنگ، آموزش و اقتصاد بیگانه، تأسیس مراکز فقهی با سبک‌های نوین و جذب طلاب و دانشجویان در این مراکز، و تأسیس نشریات و تدوین پایان‌نامه‌های فقهی را تجربه کرده است.

علم کلام نیز پس از یک وقفه طولانی در حال احیاست. ظهور کلام جدید و رویکردهای متنوع در مواجهه با مدرنیته و ظهور جریان‌های زاویه‌دار - که برخی آن را به چهار دسته «سنت‌زدگی»، «سنت‌زدایی»، «ترکیب کلام جدید با الهیات نوین مسیحی» و «ترکیب کلام جدید با فلسفه دین» تقسیم کرده‌اند (قراملکی، ۱۳۷۵، ص ۹۶ - ۹۸) - از جمله ویژگی‌های کلام در این دوره است.

## ۱. عوامل معرفتی

احیای حکمت، عقل‌گرایی، ظهور رویکرد اجتهادی، توسعه علوم تجربی، ظهور رقبای علمی، حضور فلسفه و علوم غربی، و باور به عدم کفایت آثار موجود در بنیان‌های فرهنگ نخبگانی، از جمله عوامل معرفتی مؤثر بر رشد علوم اسلامی در قم معاصر هستند.

### ۱-۱. احیای حکمت

علامه طباطبائی سفره فلسفه و عرفان را در قم گسترانید. حضور حکمت صدرایی با جمع قرآن، برهان و عرفان، و

شکل دادن رویکردی جامع که عقل، شهود، نقل و تجربه را به‌صورت منسجم دربردارد، مهم‌ترین عوامل معرفتی تحولات علمی قم معاصر هستند.

در طول تاریخ، رویکردهای مختلف فقهی، فلسفی، عرفانی و کلامی گاه با حدیث پیوند داشتند و گاه غلبه این رویکردها حدیث را در حاشیه قرار می‌داد و آن را دچار رکود می‌کرد؛ ولی در دوره کنونی، رویکردهای فلسفی، اصولی، کلامی، عرفانی، فقهی و تفسیری در کنار رویکرد حدیثی قرار گرفته‌اند که این امر ظرفیت‌های ویژه‌ای برای تحول و رشد در علوم حدیث به‌دنبال داشته است.

تولد «تفسیر اجتماعی» یکی دیگر از پیامدهای حکمت‌صدرایی است. فهم اجتماعی قرآن، به‌عنوان چاره‌ساز مشکلات فراروی بشر امروز، گرایش جدیدی است که راه‌هایی را در آموزه‌های قرآن می‌جوید. *تفسیر المیزان* ازجمله این تفاسیر اجتماعی است. تفسیر اجتماعی تا کنون چهار مرحله را طی کرده است: تفسیر ترتیبی؛ تفسیر موضوعی؛ تفسیر اجتماعی پس از *المیزان* و تفسیر اجتماعی با الگوی نظری معاصر (گلستانی، ۱۳۹۴).

تأثیر فلسفه در فقه را باید در نفوذ فلسفه در علم اصول توسط خوانساری‌ها (صدر، ۱۴۲۱، ص ۱۰۱) و گسترش آن با محقق خراسانی، اصفهانی، عراقی و علامه طباطبایی جست‌وجو کرد. بدین ترتیب علم اصول که همواره تحت تأثیر کلام بود، در این دوره تحت تأثیر فلسفه قرار گرفت (همان، ص ۳۲۰)؛ تاجایی که به‌باور استاد جوادی آملی، کسی که فلسفه نخوانده باشد، کتاب *کفایة الاصول* آخوند خراسانی را به‌خوبی نمی‌فهمد (غروی‌ان، بی‌تا، مقدمه). با وجود تکامل علم اصول (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۳۹۱)، امام خمینی و شاگردان ایشان همچنان تحول در آن را ضروری می‌دانند؛ زیرا روش اجتهاد حاکم را قادر به حل معضل استنباط‌های فقهی در زمینه‌های مختلف حکومتی و اجتماعی نمی‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲۱، ص ۳۴ و ۶۱). به‌هرحال تکامل علم اصول، به‌رغم وجود آسیب‌هایی مثل فریه شدن، ظرفیت‌های فراوانی برای علم فقه ایجاد کرده است.

کلام نیز در این دوره با رویکرد ترکیبی از عقل، نقل و فلسفه در حال ظهور است. رویکرد ترکیبی با ملاحظه‌را آغاز شده و در دوره معاصر با علامه طباطبایی و شاگردان او، به‌ویژه آیت‌الله سبحانی، تکامل یافته است (جبرئیلی، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

## ۱-۲. ظهور رویکرد اجتهادی اصولی

ظهور رویکرد اجتهادی اصولی تحت تأثیر رشد علمی مثل فلسفه و اصول، عامل دیگری است که زمینه ظهور رویکرد عقلی را در علوم اسلامی فراهم آورده است. در دوره جدید، حضور اندیشه‌های غربی و شیوع تعاملات میان فرهنگی، اندیشمندان مسلمان را به‌سوی روش‌های عقلی متمایل ساخته است؛ زیرا مخاطب غیرمسلمان دلیل نقلی را بر نمی‌تابد. ازسوی دیگر، عقل مبدأ علم کلام است (شعرانی، ۱۳۸۹، مقدمه) و علوم حدیث، تفسیر و فقه نیز بر مبنای کلامی تکیه دارند. ظهور فقه اجتهادی، تفسیر و کلام عقلی، پیامد ظهور عقل‌گرایی است؛ هرچند افراط در عقل‌گرایی نیز مثل تکیه بر استحسان‌های عقلی در تأویل آیات (گلستانی، ۱۳۹۴)، در این دوره به‌چشم می‌خورد.

### ۳-۱. ظهور رویکرد اجتماعی

سیطرهٔ عقل‌گرایی ظرفیت رویکرد اجتماعی را فعال ساخت. دوری مجتهدان شیعه از قدرت در طول تاریخ، فقها را به سوی رویکردهای فردی سوق داده (صدر، ۱۳۵۹، ص ۷ و ۸) و فقدان تفکر اجتماعی، همواره اختلاف میان متکلمین، فلاسفه، عرفا (طباطبائی، ۱۳۹۰ الف، ص ۷۱ و ۷۲) و سایر دانشمندان شیعی را به‌دنبال داشته است؛ اما با حضور اندیشه و فرهنگ غربی جریان اجتهاد احساس خطر کرد و به وجود ارتباط میان عرصه‌های فردی و اجتماعی و تهی شدن عرصه‌های فردی از اسلام در نتیجهٔ اضمحلال جنبه‌های اجتماعی پی برد (صدر، ۱۳۵۹، ص ۹). بدین ترتیب رویکرد اجتماعی ابتدا در تفسیر و بعد در فقه، هم‌زمان با رویکردهای فردی، ظهور یافت و زمینهٔ ظهور رویکرد اجتماعی در حدیث و کلام را نیز فراهم آورد.

رویکرد اجتماعی در این دوره، ظهور نگاه سیستمی به دین را نیز - هرچند در سطحی محدود - به‌دنبال داشت. اینکه اسلام یک کل تجزیه‌ناپذیر است و عرصه‌های فردی را نمی‌توان از عرصه‌های اجتماعی جدا کرد، مورد توجه برخی از پیروان جریان اجتهاد قرار گرفت. توجه فقهای امامیه به مسائلی مثل نظام حکومت، شیوهٔ اقتصاد و مسائل اجتماعی شاهدهی است بر گسترش هدف اجتهاد به همهٔ عرصه‌های زندگی و تطبیق اسلام بر همهٔ ابعاد زیست اجتماعی را دنبال می‌کند (همان، ص ۱۰).

### ۴-۱. حضور هم‌زمان رویکردهای ظاهرگرا

با وجود غلبهٔ عقل‌گرایی، هنوز ته‌نشست‌های اخباریگری در لایه‌های مختلف فرهنگ معاصر دیده می‌شود و جمود اخباریگری در بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی و در رویکردهای تفسیری و فقهی همچنان حضور دارد. هنوز بسیاری از مفسران (مطهری، ۱۳۸۲) و مجتهدان تحت نفوذ رویکرد اخباری قرار دارند (همو، ۱۳۶۷، ص ۲۰۸). همچنین در قرن اخیر رویکردی با عنوان مکتب تفکیک ظهور کرده و با مهاجرت محمدباقر ملکی میانجی (۱۳۲۴-۱۴۱۹ق) به‌عنوان یک تفکیکی معتدل به قم، برخی از اندیشمندان قم را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این عامل، رونق فقه روایی را به‌دنبال داشته است.

### ۵-۱. توسعهٔ علوم تجربی

رشد علوم انسانی و تجربی مکاتب متعددی را در عرصهٔ تفکر و اجتماع به‌وجود آورده و معرفت دینی را با سؤال‌های بسیار جدی روبه‌رو کرده است و برخی از اندیشمندان مسلمان را بر آن داشت تا با استفاده از متون دینی در مقام پاسخ‌گویی به این سؤالات برآیند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰)؛ چراکه پیشرفت و تمدن، چنانچه براساس دین و شالودهٔ قرآن شکل بگیرد، به حال مسلمانان سودی نخواهد داشت و انحطاط و عقب‌ماندگی، جهان اسلام را رها نخواهد کرد (صاحبی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲-۲۱۸).

## ۱-۶. ظهور رقبای علمی

به‌رغم توجه آیت‌الله بروجردی به حدیث اهل سنت، هنوز منابع حدیثی عامه حضور قابل توجهی در آثار حدیثی شیعه نیافته‌اند؛ اما مفسران توجه بیشتری به تفاسیر سنی نشان داده‌اند. فقه اهل تسنن نیز که روزگاری طرف گفت‌وگو و رقیب علمی فقه شیعه محسوب می‌شد، از اواخر قرن سیزدهم تا کنون نشاط دوباره را تجربه می‌کند (سبحانی، ۱۴۱۸). البته این تحول فقهی هنوز در خرده‌فرهنگ نخبگانی شیعی مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

اما ظهور جریان‌های نومعتزله، نواشعری، سلفیه و نوسلفیه به‌عنوان رقبای علمی کلام شیعی مورد توجه بیشتری واقع شده است (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). ظهور جریان انتقادی در مواجهه با سلفیگری نخستین واکنش اندیشمندان شیعه در برابر این مسئله بوده است و نقطه‌آغاز احیاگری کلام شیعی تلقی می‌شود. جریان معتزله نیز که در قرن ششم و هفتم به خاموشی گراییده بود، در دهه‌های اخیر با عنوان نومعتزله ظهور یافته، که تدوین آثاری انتقادی از سوی اندیشمندان شیعی را در پی داشته است؛ اما بازخوانی اندیشه اشعری و ظهور نواشعریان هنوز با واکنشی از سوی اندیشمندان شیعه مواجه نشده است.

## ۱-۷. حضور فلسفه‌ها و علوم غربی

سیطره فلسفه‌ها و علوم مدرن در حاشیه سیطره سیاسی و اقتصادی غرب، یکی از عوامل معرفتی مهم و مؤثر بر علوم اسلامی، به‌ویژه علم کلام است (رضوی، ۱۳۸۵). این عامل تأثیر چندانی بر حدیث نداشت؛ اما تفسیر، فقه و کلام را به‌چالش می‌کشید. اندیشمندان مسلمان علم جدید را به‌دلیل مغایرت با آموزه‌های اسلامی تهدیدی بزرگ می‌شمردند (بکار، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳ و ۲۱۹)؛ اما علم کلام قادر نبود به‌تنهایی در برابر این تهدید مقاومت کند؛ چراکه پاسخ به بسیاری از این شبهات نیازمند تخصص‌های متنوعی بود. در چنین شرایطی، محدثان، مفسران و فقها نیز گرایش‌های کلامی یافتند.

## ۱-۸. باور به عدم کفایت آثار موجود

یکی از عوامل مهم رشد علم، وجود باور در بنیان‌های فرهنگ نخبگانی به عدم کفایت آثار علمی موجود است که در این دوره تحقق یافته‌اند. محدث نوری مستدرک‌نویسی را مطرح کرد؛ علامه طباطبائی در مقدمه *المیزان* روش‌های تفسیری گذشتگان و معاصران خود را نقد کرده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴-۱۴) و آیت‌الله بروجردی برای جبران نواقص کتاب *وسائل*، سه طلبه را از طریق آزمون انتخاب کرد و با همکاری آنها به تدوین جامع حدیثی جدیدی پرداخت. *شعرانی* (۱۳۲۰-۱۳۹۳) شرایط عصر خود را فتنه، انزوای اهل حق و رکود درس اصول دین شمرده و تدوین کتابی ساده و روان در اصول دین را مورد نیاز بسیاری از مردم و حتی طلاب سطوح عالی می‌داند (شعرانی، ۱۳۸۹، ص ۸ و ۷)؛ زیرا حوزه علمیه هنگامی می‌تواند اقامه‌کننده قرآن باشد که پایگاه فکری، تفکر عقلی و علم کلام را در کنار علوم دیگر داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۳۰-۳۲)؛ درحالی‌که اکنون کلام ندارد.

## ۲. عوامل فردی

استفاده از موقعیت مرجعیت، توجه به نیازهای روز، اتخاذ رویکردهای تقریبی و جهانی، تأسیس مراکز علمی، تدوین آثار علمی، تشویق نخبگان، توسعه تعاملات و تمایز نقش علمی، از جمله عوامل فردی مؤثر بر رونق علم در این دوره‌اند.

### ۲-۱. توجه به نیازهای جامعه

دانشمندان آگاه به زمان، سیاست‌گذاری‌های کلان در نظام آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند. آیت‌الله حائری به دلیل آشنایی با نظام آموزشی حوزه‌های شیعی در سامرا، نجف و کربلا و اطلاع از نقاط قوت و ضعف و شیوه مدیریت پیشینیان و نیز تجربه مدیریت در حوزه اراک، مهارت بالایی در برنامه‌ریزی آموزشی داشت. تحول در روش‌های آموزش، تخصصی شدن فقه، توسعه دامنه معلومات طلبه‌ها و آموزش زبان‌های خارجی، از جمله برنامه‌های او بود (کریمی، ۱۳۷۲، ص ۴۷). علامه طباطبائی با آگاهی از عدم تناسب دروس حوزوی با نیازهای جامعه و اعتقاد به مهاجرت قرآن، به احیای تفسیر در حوزه علمی قم دست زد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، مقدمه). تلاش برای پاسخ قرآنی به شبهات و مسائل روز در *المیزان* (ایازی، ۱۳۸۱، ص ۷۸-۸۱) و نوآوری در زمینه روش و مسائل علم کلام، به علامه جایگاهی احیاگرانه در علم کلام نیز بخشیده است (رضوی، ۱۳۹۶، ص ۶۳۸). ری‌شهری که به غربت حدیث در حوزه‌های علمیه باور داشت (reyshahri.ir)، مؤسسه دارالحدیث را تأسیس کرد و آیت‌الله سبحانی نیز با تأسیس مؤسسه امام صادق<sup>ع</sup> نیاز جامعه به کلام را پاسخ گفت.

### ۲-۲. برنامه‌های جهانی و تقریبی

کلان‌نگری و توسعه افق فکری به ابعاد جهانی و فرامذهبی نیز مسائل و نیازهای جدیدی برای علوم اسلامی به‌ارمغان آورده است. در این دوره، نگاه اندیشمندان شیعی به افق جهانی گسترش یافت و بدین ترتیب مواجهه عملی و مستقیم با غرب آغاز شد. آیت‌الله بروجردی برای اولین بار به اعزام مبلغان دینی به اروپا و آمریکا (عبیری، ۱۳۸۰، ص ۸۷)، تأسیس مراکز اسلامی در نقاط مختلف دنیا (دوانی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۸) و ارتباط با «دار التقرب» در قاهره اقدام کرد. اهتمام ایشان به تقریب مذاهب به حدی بود که در بستر مرگ نیز به اهمیت این طرح و لزوم تقویت آن تأکید کرد (آذرشب، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲). او با هرگونه اهانت به خلفا و بزرگان اهل سنت مخالف بود و این کار را موجب تفرقه در میان مسلمانان می‌دانست (واعظزاده، ۱۳۸۶، ص ۲۵). اکنون نیز با تأسیس مراکزی چون مجمع جهانی و جامعه‌المصطفی این برنامه‌ها به نقطه اوج رسیده است.

### ۲-۳. تدوین آثار علمی

یکی دیگر از فعالیت‌های فردی مؤثر بر تاریخ علم، تدوین آثار علمی است. کتاب *ولایت فقیه* امام خمینی<sup>ع</sup> که در

رژیم پهلوی در فهرست آثار ممنوعه قرار داشت، به انقلاب اسلامی با پیامدهای فراوان بین‌المللی منجر شد. **تفسیر المیزان** در بعد کمی به بررسی اکثر موضوعات و مسائل مهم اجتماعی و در بعد کیفی به تبیین مسائل اجتماعی و آثار آن پرداخته است. **تفسیر نمونه** با همکاری عده‌ای از فضلاء حوزه علمیه قم زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی با هدف پاسخ به عطش نسل حاضر برای درک مفاهیم دینی و پاسخ به مسائل روز، به‌زبانی ساده تدوین شد (مکارم، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۳-۲۴). **تفسیر تسنیم** به‌دلیل تدوین آن در عصر برپایی حکومت اسلامی، طولانی بودن دوره تدوین و همچنین فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مؤلف آن، زمینه طرح مفصل‌تر مباحث سیاسی و اجتماعی را موجب شده است. این تفسیر به‌عنوان یکی از پیامدهای جمع رویکردهای فلسفی، عرفانی و کلامی در حکمت صدرایی، از جامعیت بی‌نظیری برخوردار است. آیت‌الله مصباح برای تبیین معارف قرآن، با انگیزه‌های آموزشی به‌دنبال موضوع‌شناسی جامعی که همه آیات قرآن را دربرگیرد، تقسیم موضوعات قرآنی با محوریت الله را برگزید و تفسیر خود را با عنوان **معارف قرآن** منتشر کرد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، مقدمه).

#### ۲-۴. تشویق نخبگان

تشویق و حمایت از نخبگان و افراد پرتلاش از جمله سیاست‌هایی بود که مورد توجه مراجع و مدیران مراکز علمی قرار می‌گرفت؛ مثلاً آیت‌الله **حائری** وضعیت زندگی و فعالیت‌های درسی طلبه‌ها را بررسی می‌کرد و طلبه‌های پرتلاش و مستعد را مورد حمایت و تشویق قرار می‌داد. اکنون نیز طلاب مستعد با عناوینی چون ممتازین یا هدفمندی شهریه مورد تشویق قرار می‌گیرند.

#### ۲-۵. تعاملات علمی

تعاملات علمی میان اندیشمندان شیعه و سنی در ابتدای این دوره به پایین‌ترین حد ممکن رسید؛ اما آیت‌الله **بروجردی** توجه دوباره به آرای اهل سنت را از سر گرفت. احیای فقه مقارن و ذکر برخی روایات اهل سنت در کتاب **جامع الاحادیث** با وجود مقاومت از سوی مخالفان (واعظزاده، ۱۳۸۶، ص ۲۱) و همچنین معرفی فقه شیعی به اهل سنت، اهدای کتاب **المبسوط** به شیخ الازهر و عضو دارالتقرب (واعظزاده، ۱۳۷۹، ص ۴۰۵)، از جمله تعاملات ایشان است. آشنایی اعضای دارالتقرب با فقه شیعه موجب شد که برخی از بزرگان الازهر به جواز عمل کردن بر طبق فقه امامیه حکم دهند (آذرشب، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳ و ۱۷۴) و رسمیت فقه شیعه را بپذیرند (علوی، ۱۳۴۱، ص ۱۲۰). در همان ایام، وزارت اوقاف مصر کتاب **المختصر النافع**، نوشته محقق حلی (م ۷۶۶ق) را - که یک دوره فقه فشرده است - منتشر کرد (واعظزاده، ۱۳۸۶، ص ۲۴). افق برنامه‌های آیت‌الله **بروجردی** فراتر از حوزه‌های علمیه بود؛ برای مثال، ایشان خواستار قرار دادن درس تعلیمات دینی در تعلیمات دوره ابتدایی بود و نماینده خود، آقای فلسفی را مأمور مذاکره با دولت کرد (دوانی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹).

انتشار کتب حدیثی و تفسیری اهل سنت در نرم‌افزارهای مربوطه و توجه علامه به روایات و اقوال مفسران



اهل سنت در *المیزان* (بابی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۲)، همچنین تأسیس رشته‌های آموزشی مثل اندیشه معاصر مسلمین، زمینه احیای تعاملات علمی با اهل سنت را فراهم ساخته است. انقلاب اسلامی ایران، موفقیت‌های علمی و قدرت نظامی، به‌ویژه پیروزی در جبهه مقاومت و مقابله رودررو با آمریکا در عین‌الاسد و موارد مشابه، ایران را در کانون توجه متفکران اهل سنت قرار داده و موفقیت ایران را برای تعاملات علمی در جهان اسلام ارتقا داده است؛ اما همچنان تعاملات علمی با اهل سنت در سطح مطلوبی قرار ندارد.

### ۲-۶. تمایز نقش علمی

در ابتدای این دوره، تمایز نقش علمی و تقسیم کار مناسبی میان اندیشمندان به‌چشم نمی‌خورد؛ اما در دهه‌های اخیر به‌مناسبت تأسیس مراکز علمی، اختصاص بودجه‌های رسمی در زمینه آموزش و پژوهش و جذب افراد به‌عنوان هیئت‌علمی یا همکار علمی، تمایز نقش علمی رونق علوم را سرعت بخشیده است.

### ۳. بستر سیاسی - اجتماعی

وضعیت آشفته سیاسی، جنگ‌های جهانی، نفوذ استعمار، حکومت‌های استبدادی، مواجهه با غرب، نهضت‌های تنباکو و مشروطه، انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی از جمله زمینه‌های سیاسی مربوط به این دوره‌اند. مہجوریت قرآن، غرب‌گرایی، مادی‌گرایی، تحولات نظام آموزشی و تقسیم کار علمی نیز از جمله زمینه‌های اجتماعی این دوره به‌شمار می‌روند.

#### ۳-۱. جنگ‌های جهانی

در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)، به‌رغم اعلام بی‌طرفی دولت ایران، نیروهای بریتانیا و شوروی از جنوب و شمال وارد ایران شدند. خرید غلات ایران توسط ارتش بریتانیا قحطی بزرگ و هلاکت بسیاری از مردم ایران را به‌دنبال داشت. در جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م) نیز شوروی و بریتانیا در سال ۱۳۲۰ وارد خاک ایران شدند؛ ارتش ایران ظرف چند روز شکست را پذیرفت؛ رضا شاه برکنار شد و سراسر ایران به اشغال کشورهایی مثل شوروی و انگلیس درآمد. بدیهی است که در چنین فضایی زمینه رشد و بالندگی علم از بین می‌رود؛ هرچند مسائل بنیادین و جدیدی پیش روی علوم قرار می‌گیرد و زمینه تحولاتی همچون ظهور تفسیر اجتماعی و نظریه‌های سیاسی در فقه فراهم می‌شود.

#### ۳-۲. ظهور استعمار

ظهور استعمار در دو‌یست سال اخیر و نفوذ بیگانگان در کشورهای اسلامی پیامدهای زبان‌باری به‌دنبال داشت. البته در مواردی عالمان آگاه به زمان با درایت به مقابله می‌پرداختند و زمینه مقاومت و غلبه را مهیا می‌کردند (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۶۸)؛ مثلاً *میرزا محمدتقی شیرازی* (م ۱۳۳۸ق)، شاگرد *میرزای شیرازی*، انقلاب عراق برضد

انگلستان را رهبری می‌کرد. سید یزدی در مقابل حمله ایتالیا به لیبی، حمله انگلیس به عراق و حمله روسیه به ایران، حکم به وجوب دفاع مسلمانان از وطن صادر کرد. گاهی نیز میان علما اختلافاتی رخ می‌داد که در مجموع کارکردهای منفی به دنبال داشت. برای نمونه می‌توان به منازعات سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، از مخالفان نهضت مشروطه، و آخوند خراسانی اشاره کرد.

### ۳-۳. حکومت‌های استبدادی

بستر سیاسی در بخش قابل توجهی از این دوره تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، سرشار از خفقان بود. مردم، به‌ویژه اهل قم، زیر تازیانه و چکمه‌های خودخواهان، هر شامگاهان در خانه منتظر دستگیری، تبعید یا کشته شدن خود یا دیگران بودند. فشار استبداد سخت بود و جان و مال و ناموس مردم، عمامه اهل علم و روسری زنان از سوی مأموران حکومت مورد هجوم قرار می‌گرفت (طالقانی، ۱۳۲۷، ص ۴). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران وضعیت تغییر کرد؛ هرچند آشوب منافقین، جنگ تحمیلی و تحریم‌های ظالمانه همچنان ادامه داشت.

ملک فیصل در جریان تأسیس مجلس شورای ملی عراق در سال ۱۳۴۱ق توانست علمای شیعه را با خود همراه کند. شیخ مهدی خالصی، از علمای بزرگ کاظمین، انتخابات را تحریم کرد و نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی حکم او را امضا کردند که پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای داشت. از همین رو دولت عراق تصمیم گرفت علمای مؤثر در این جریان را به ایران تبعید کند. بدین ترتیب خالصی، نائینی، اصفهانی و برخی دیگر به ایران تبعید شدند. پس از حدود یک سال، ملک فیصل در اثر فشارهای مردمی، از علما عذرخواهی کرد و درخواست بازگشت آنان به عراق را صادر نمود. این اتفاق، هرچند وقفه‌ای کوتاه در فعالیت‌های علمی نجف پدید آورد، رونق علمی را در حوزه قم فزونی بخشید. صلح از اواخر دهه ۱۹۵۰م و به‌طور رسمی در سال ۱۹۷۹م حکومت عراق را به‌دست گرفت و سخت‌گیری‌های فراوانی در خصوص تشیع و مراکز علمی شیعه اعمال کرد که زمینه‌ساز اخراج یا مهاجرت بسیاری از علما و انتقال مرکزیت علمی از عتبات به قم شد.

قاجاریه و پهلوی در ایران نیز به‌طور کلی زمینه مناسبی برای رشد فعالیت‌های علمی فراهم نیاوردند. حکومت پهلوی حوزه علمیه را مانعی در برابر برنامه‌های خسارت‌بار خود می‌شمرد و حتی گاهی با دخالت مستقیم در حوزه‌های علمیه، به تحقیر، تبعید، حبس و حتی ضرب و شتم علما می‌پرداخت. سه مرتبه حمله وحشیانه به مدرسه فیضیه و ضرب و شتم طلاب و مردم در سال‌های ۴۲، ۵۱ و ۵۴ و تلاش برای نفوذ در مدیریت مدرسه، از جمله دشمنی‌های حکومت پهلوی با حوزه علمیه قم بود. کمی قبل از انقلاب، حدوداً چهار سال درب مدرسه فیضیه بسته بود و تصمیم گرفته شده بود که مدرسه فیضیه را مقبره کنند (لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰).

### ۳-۴. مواجهه با غرب

مواجهه با غرب، آگاهی از پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی از جمله زمینه‌های عام، و اثرپذیری از فلسفه

غرب، آگاهی از مباحث کلام جدید، نقدهای مستقیم مستشرقان به اسلام و گسترش اطلاعات علمی و عمومی شدن آن در جامعه، از جمله زمینه‌های خاص شکل‌گیری تفسیر علمی (نفیسی، ۱۳۹۷، ص ۴۷-۶۴) و تحولات در فقه و کلام هستند. ترجمه و تألیف آثار غیرمسلمانان در زمینه علوم مختلف موجب شد که تعارضاتی بین ظاهر برخی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید. دانشمندان مسلمان با اتخاذ رویکرد حداکثری، حداقلی یا میانه به دین، پاسخ‌های متفاوتی به این مسئله دادند.

### ۳-۵. کنشگری‌های سیاسی فقها

مخالفت علما با قراردادهای ناصرالدین‌شاه نهضت‌های متعددی در شهرهایی مثل اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز به دنبال داشت. این نهضت‌ها و سرکوب‌های دولتی، فقه را به عرصه وارد کرد و حکم تحریم تنباکو ابتدا از سوی آقاجانی در اصفهان و سپس میرزای شیرازی در سامرا صادر شد (تهرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۷). زبان فتوا به گونه‌ای انتخاب شده بود که جایگاه ولایت را برجسته می‌ساخت. در متن حکم، استعمال توتون و تنباکو در حکم مبارزه با امام زمان ع شمرده شده بود و این نحوه بیان، حتی اهل فسق و فجور را نیز تحت تأثیر قرار داده بود (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۷). به دنبال این حکم که پیروی سایر فقها و روحانیون را به دنبال داشت و با استقبال عمومی در سراسر کشور و حتی از سوی غیرمسلمانان مواجه شده بود، شاه سرانجام به‌زانو درآمد و قرارداد یادشده را لغو کرد. این موفقیت، سیاست‌های ایجابی فقه را مورد توجه قرار می‌داد.

فقهای شیعه در دوران قاجار ابتدا طرح عدالت‌خانه و سپس طرح مشروطه را برای تأمین مشارکت فعال و درعین حال رقابت‌آمیز مردم با دولت قاجار مطرح کردند. مشروطه مطلوب نهایی نبود؛ اما از باب دفع افسد به فاسد مورد توجه قرار گرفته بود (پارسانیا، ۱۳۸۶، ص ۲۵). نهضت مشروطه فقها را به مسائل سیاسی و اجتماعی وارد کرد و کتاب‌ها، رساله‌ها و اعلامیه‌های فراوانی توسط فقها درباره مشروطه به رشته تحریر درآمد. فقها در این آثار به تدریج غصبی بودن حکومت شاهان را مسلم می‌انگاشتند و از تغییر حکومت سخن به میان می‌آوردند (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۹، ص ۲۶۳-۲۸۳).

پس از شکست نهضت مشروطه، میرزای نائینی به سوی سیاست سلبی تغییر جهت داد؛ درحالی که بخشی از روحانیت، نظیر شهید مدرس، هنوز ظرفیت‌های مذهبی جامعه را برای سامان بخشیدن به یک حرکت ایجابی فعال مناسب می‌دیدند و از آن ظرفیت‌ها استفاده می‌کردند (پارسانیا، ۱۳۸۶، ص ۵۷)؛ اما دوری آیت‌الله حائری از سیاست، برای حفظ حوزه تازه‌تأسیس قم بود (کریمی، ۱۳۷۲، ص ۶۸)؛ چراکه او می‌دانست هیچ چیز جلودار خودکامگی‌های رضاخان نیست و او حرمت هیچ چیز و هیچ کس را نگه نمی‌دارد. هنگامی که بسیاری از علما، طلاب، تجار و آحاد مردم به سکوت آیت‌الله حائری در برابر سیاست حکومت پهلوی مبنی بر متحدالشکل ساختن لباس‌ها اعتراض کردند و حتی ایشان را به موافقت با این موضوع متهم نمودند، آیت‌الله حائری به ناچار تلگرافی به شاه ارسال کرد که با پاسخ‌های

بی‌ادبانه‌ای مواجه شد (نیکوبرش، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷-۳۲۰). از آن پس مناسبات دولت با ایشان به کلی قطع شد و حتی رفت‌وآمد افراد نزد آیت‌الله حائری به شدت تحت نظر قرار می‌گرفت (حائری، ص ۶۵). بنابراین اهتمام آیت‌الله حائری به حفظ حوزه علمیّه قم مهم‌ترین دلیل اجتناب وی از ورود به سیاست بود؛ زیرا بر این باور بود که موضع‌گیری در برابر رضاشاه در آن شرایط، فروپاشی حوزه را به دنبال خواهد داشت (شریفرازی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۹ و ۵۳). آیت‌الله بروجردی به‌رغم اقتدار و حضور توانمند خود، به‌سوی یک سیاست فعال و ایجابی گام برنداشت. البته حضور ایشان مانع از هجوم‌های گسترده‌تری بود که جریان‌های سکولار برای حذف دیانت از صحنه حیات فرهنگی جامعه می‌توانستند انجام دهند (پارسانیا، ۱۳۸۶، ص ۵۶)؛ اما فعالیت‌های سیاسی حضرت امام<sup>ع</sup> فراوان بود که با عهده‌داری مقام مرجعیت فزونی یافت و به یک انقلاب تمام‌عیار تبدیل شد و فقه را در جایگاه سیاسی - اجتماعی ویژه‌ای قرار داد.

### ۳-۶. انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی<sup>ع</sup> در آغاز دههٔ چهل، سیاست منفی و سلبی را که با صبر و سکوت به وعدهٔ فرج بسنده می‌کرد، پس از بیش از نیم قرن، دیگر بار به‌سوی یک سیاست فعال و انقلابی تغییر داد (پارسانیا، ۱۳۸۶، ص ۵۶). حرکت ایجابی امام<sup>ع</sup> سرانجام به یک انقلاب همه‌جانبه انجامید و باعث استقرار نظام ولایت فقیه در ایران شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بخش زیادی از احکام دینی که تعطیل شده بود، به‌اجرا درآمد. ابواب فقهی‌ای مثل اعتکاف، اقامهٔ نماز جمعه، نماز عیدین، اجرای حدود و امور حکومتی، امر به معروف و نهی از منکر، امور حسبه، اعلان برائت در حج و دیگر امور به مرحلهٔ اجرا درآمدند و آثار فقهی فراوانی در این خصوص تألیف شد (عظیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴).

انقلاب اسلامی ایران فقه را در موقعیت حکومت قرار داد و آن را با مسائلی مواجه کرد که تحولاتی را در فقه رقم زد. مسائل مستحدثه فربه شد و آثار فقهی به مسائلی از قبیل احکام حکومتی، بانک‌داری اسلامی، بیمه و مسائل پزشکی معطوف شد و احکام مسائلی همچون غنا و موسیقی، مجسمه‌سازی، نقاشی، ارث و دیهٔ زن، به‌سبب اقتضائات زمان و مکان مورد بازبینی قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی در ایران، تحقق فقه را در عرصهٔ قضاوت نیز می‌توان مشاهده کرد. دستگاه قضایی تغییرات بنیادینی یافت و فقها در منصب قضاوت قرار گرفتند.

### ۳-۷. حمایت‌های عربی و آمریکایی از احیای سلفیگری

آل‌سعود با تشکیل نخستین کنفرانس اسلامی در سال ۱۳۴۴ در مکه و تأکید بر ضرورت اتحاد مسلمانان و بازنشر کتب افرادی همچون ابن‌تیمیه، ابن‌کثیر، ابن‌قدامه و محمدبن‌عبدالوهاب و کتب و رسائل علمای نجد، به ترویج سلفیگری همت گماشت و به تأسیس مدرسه برای آموزش مبانی سلفیگری پرداخت و از علمای همسو با وهابیت در سایر کشورها دعوت به همکاری کرد. تأسیس الجامعة الاسلامیة با اختصاص بودجهٔ سنگین به آن در سال ۱۳۸۱ در مدینه به‌منظور جذب دانشجو از سراسر جهان اسلام، از جمله اقدامات آنهاست. کمی بعد، گران شدن نفت در دههٔ

هشتاد زمینه فعالیت‌های گسترده‌تری را برای آل سعود فراهم آورد. با رخداد انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر حمایت‌های مادی عربستان از تفکر سلفی، حمایت‌های مادی و معنوی آمریکا هم از آل سعود صورت می‌گرفت (فرمانیان، ۱۳۹۵، ص ۱۳۸-۱۵۳). بدین ترتیب با ترویج تفکر وهابی، شبهاتی در جهان تشیع مطرح شد که نیازمند پاسخ‌گویی بود و همین امر زمینه‌ساز احیای علم کلام شد. فزونی آثاری در نقد تفکر سلفی از نیمه دوم قرن چهاردهم هجری به دلیل همین توسعه مراکز آموزشی و تبلیغی سلفیه در نقاط مختلف جهان اسلام بود.

### ۳-۸. کنشگری اجتماعی

هرچند در بخش‌هایی از این دوره از فعالیت‌های سیاسی پرهیز می‌شد، اما فقه دست از تعامل با عرصه جامعه، فرهنگ و اقتصاد نکشید. خدمات آیت‌الله حائری به مستضعفین، ایجاد بناهای فرهنگی در ایران و دیگر کشورهای جهان از سوی آیت‌الله بروجردی و خدمات اجتماعی و ایجاد بناهای خیریه و مراکز تعلیم و تربیت اسلامی در کشورهای مختلف از سوی آیت‌الله خویی، از جمله فعالیت‌های اجتماعی فقها در این دوره است (عظیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲).

مبارزه با نفوذ اقتصادی غرب یکی دیگر از محورهای کنشگری فقها بود. یکی از نمونه‌های مهم این‌گونه کنشگری، تأسیس شرکت اسلامی اصفهان در سال ۱۳۱۶ق، یعنی حدود هفت سال بعد از قیام تنباکوست. این شرکت را دو مجتهد بزرگ اصفهان، آیت‌الله آقانجفی اصفهانی و آقانورالله اصفهانی با همراه ساختن تجار خوشنام (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳) تأسیس کردند. آقانجفی در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های متعددی مردم را به پرهیز از مصرف کالاهای خارجی و خرید کالاهای این شرکت تشویق می‌کردند. علمای برجسته‌ای همچون آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی، میرزااحسین تهرانی و دیگران بر این اعلامیه تفریط نوشتند و از آن حمایت کردند؛ حتی آخوند خراسانی در نامه‌ای از شاه خواست تا لباس‌های خارجی را از تن به‌در کرده، از لباس‌های داخلی استفاده کند. همچنین روحانیان و مبلغانی را به شهرها و مناطق دیگر اعزام کردند تا مردم را به استفاده از تولیدات این شرکت تشویق کنند. به دنبال این حرکت، روزنامه *تربیا* (دهم جمادی‌الثانی، ۱۳۱۷) می‌نویسد: اگر نام مبارک حجت‌الاسلام آقانجفی را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزااست (ابوطالبی، ۱۳۹۵، ص ۶۸-۷۷).

نمونه‌های فراوانی از دغدغه‌های فرهنگی فقها را نیز در میان متون تاریخی می‌توان یافت؛ مثلاً آیت‌الله حائری در پاسخ به نامه میرزا محمدتقی شیرازی پس از فوت سیدمحمدکاظم یزدی (۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش) که از او خواسته بود به عتبات برگردد و خود را برای مرجعیت شیعه مهیا سازد، اقامت در ایران را به دلیل نگرانی از انحطاط فکری و فرهنگی در ایران وظیفه خود خواند (طهرانی، ۱۴۰۴ق، قسم ۳، ص ۱۱۶۴) که حاکی از توجه او به وضعیت نامناسب فرهنگی در مناطقی از ایران است.

### ۳-۹. منصب قضاوت

در این دوره، منصب قضاوت نسبت تنگاتنگی با اجتهاد و مرجعیت دارد. از اینکه آخوند خراسانی در متن اجازه اجتهاد

برای آیت‌الله بروجردی می‌نویسد: «همهٔ مناصب ثابت‌شده برای مجتهدین، از جمله فتوا دادن، قضاوت کردن و غیر این دو، برای ایشان نیز ثابت است» (واعظزاده، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳)، می‌توان نسبت منصب قضاوت و اجتهاد در فقه را فهمید؛ یعنی اثبات و اجازهٔ اجتهاد، به‌خودی‌خود مجوز قضاوت نیز تلقی می‌شود؛ هرچند در عمل، حکومت‌ها نقش مهمی در عرصهٔ قضاوت ایفا می‌کردند؛ به‌خصوص در دورهٔ پهلوی که بسیاری از مناصب رسمی از روحانیت سلب می‌شد؛ اما پس از انقلاب اسلامی و تفکیک قوا و تأسیس قوهٔ قضائیه، قضاوت سروسامان گرفت و حضور فقها در عرصهٔ قضاوت پررنگ شد.

### ۱۰-۳. مهجوریت قرآن

در این دوره، رشد علوم انسانی و تجربی اندیشمندان دینی را با سؤالات متعددی مواجه می‌ساخت؛ این در حالی بود که قرآن در این دوره، فقط انیس اموات در گورستان‌ها بود و در قفسهٔ کتابخانه‌ها غبار نسیان بر آن نشسته بود و حتی در میان آنان که به‌نام قرآن ارتزاق می‌کردند، قرآن رونق و بازاری نداشت و حتی اقبال به آن برابر با از دست دادن شخصیت اجتماعی بود (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰). مهجوریت قرآن در جامعه و حتی در حوزهٔ علمیه، علامه طباطبائی را به‌سوی احیای درس تفسیر سوق داد. در دهه‌های اخیر با تأسیس مراکز تخصصی و برگزاری دروس متعدد تفسیر، جریان تفسیر قرآن رونق یافت.

### ۱۱-۳. غرب‌گرایی

تهاجم فرهنگی غرب آثار اسلامی را به‌غارت برده و عقول را سرگردان کرده و ضرر این تهاجم فرهنگی از حملهٔ چنگیز کمتر نبوده است. رجال سیاسی و بسیاری از روشنفکران به‌دلیل بی‌اطلاعی از بنیان‌های فکری غرب، نه‌تنها احساس خطر نمی‌کردند، بلکه با اشتیاق خواهان پیروی از غرب بودند؛ اما عالمان دینی، گرچه در خط مستقیم برخورد با غرب قرار نداشتند، از همان ابتدا تأثیر سوء آمیزش با غرب را احساس کردند (شعرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲). غرب‌گرایی در سطوح گسترده‌ای از جمله در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سبک زندگی رخ نموده و زمینهٔ مناسبی برای حضور متکلمان در همهٔ عرصه‌های یادشده فراهم آورده است.

### ۱۲-۳. مادی‌گرایی

نفوذ فرهنگی غرب در حاشیهٔ سیطرهٔ سیاسی و اقتصادی، به‌ویژه با ظهور فضای مجازی و فناوری‌های مرتبط با آن، افرادی را به مادی‌گرایی متمایل کرده است. البته غنای تاریخی تمدنی فرهنگ اسلامی - ایرانی تاب‌آوری بسیاری از خود نشان داده و عمق دین‌داری گروه‌های اجتماعی بسیاری را در این فضای آلوده افزایش داده است؛ باین‌حال این پدیده متکلمین را در عرصه‌های علمی و عملی به مقاومت و تلاش در جهت مقابله با آن واداشته است.

شعرانی بر این باور است که گرایش به مادی‌گرایی در این دوره، باور مردم به خدا و عالم آخرت را تضعیف کرده

است؛ بنابراین بر علما واجب‌الاهم است که به این مسائل پاسخ بگویند و اصول دین را به مردم تعلیم دهند. از این رو لازم است شیوه‌های آموزش کلام عقلی را بیاموزند و با آموزش آموزه‌های کلامی در عرصه فرهنگ عمومی، مردم را به سلاح عقل مجهز سازند. مهم‌ترین وظیفه طلاب علوم دینی از منظر او، مقابله با دین‌گریزی است. البته او در این مقابله، از یک آسیب نیز پرهیز می‌دهد. او روش‌های جدلی و اکتفا به مشهورات و امور علمی باطل شده را موجب رسوخ بیشتر دین‌گریزی می‌داند و تنها راه‌حل مشکل را تکیه بر عقل و علوم عقلی می‌شمارد (همان، ص ۱۰-۱۲).

### ۱۳-۳. تأسیس، احیا و تقویت مراکز علمی

در هنگام مهاجرت آیت‌الله حائری به قم و تأسیس حوزه علمیه در سال ۱۳۴۰ق، برخی از شاگردانش (استادی، ۱۳۸۳، ص ۵۴) ایشان را همراهی کردند و *اصفهانی* و *نائینی*، که پس از تبعید از عراق هشت ماه در قم ماندند، نیز نقش مهمی در یاری او برای تثبیت این حوزه داشتند (طهرانی، ۱۴۰۴ق، قسم ۳، ص ۱۶۰). پس از آن، امام خمینی \* روزانه ده‌ها نامه برای علما می‌نوشت تا از آیت‌الله بروجرودی بخواهند که به قم بیاید (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۵، ص ۶۰). پس از رحلت آیت‌الله *اصفهانی*، حضرت امام \* هرچه اعتبار داشت، خرج مرجعیت آیت‌الله بروجرودی کرد (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶). سرانجام آیت‌الله بروجرودی در سال ۱۳۶۴ق وارد قم شد و مورد استقبال علمای آن سامان قرار گرفت. برخی علما، از جمله امام خمینی \* *محقق داماد*، *مرتضی حائری* و *خوانساری*، برای نشان دادن اهمیت دروس ایشان و تشویق فضلا به حضور در آن، همراه با شاگردان خود در مجالس درس ایشان حضور می‌یافتند. سیدمحمد حجت کرسی تدریس خود و سیدصدرالدین صدر، امام جماعت حرم حضرت معصومه \*، امامت جماعت حرم را در اختیار ایشان قرار دادند (علوی، ۱۳۴۱، ص ۱۱۹). بازسازی مدارس و تأسیس و توسعه کتابخانه‌ها، از جمله فعالیت‌های آیت‌الله بروجرودی است. از آن زمان تا کنون تأسیس مراکز فقهی متعدد با رویکردهای تخصصی همچنان ادامه دارد. آیت‌الله ری‌شهری مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث را به‌منظور انجام پژوهش‌های حدیثی و ترویج معارف روایی در فرهنگ عمومی تأسیس کرد. این مؤسسه تا کنون بیش از ۳۵۰ عنوان کتاب در بیش از ششصد جلد منتشر کرده است (<http://hadith.net>). آیت‌الله مکارم مدارس علمیه متعدد، مؤسسات پژوهشی و همچنین شبکه ماهواره‌ای ولایت را تأسیس کرد. مدرسه امام حسین \* نیز محل استقرار مرکز تخصصی تفسیر قرآن کریم و محل موقت مرکز تخصصی شیعه‌شناسی است.

مؤسسه آموزش عالی امام صادق \*، به‌عنوان مرکز تخصصی علم کلام، به‌اهتمام آیت‌الله سبحانی با هدف آموزش عقاید دینی به‌صورت بنیادی و تخصصی به دانش‌پژوهان و طلاب علوم دینی، تولید و توسعه علوم اعتقادی در زمینه‌های گوناگون، تبیین و ترویج این علوم در بین اقشار مختلف و مواجهه علمی با شبهات مطرح در جامعه پیرامون اعتقادات دینی تأسیس شد. این مرکز در سطوح مختلف به پذیرش طلاب برای آموزش‌های تخصصی کلامی با گرایش‌های بسیار متنوع اقدام کرده و پژوهش‌های مفصلی در قالب مقاله، پایان‌نامه و کتاب ارائه نموده است.

علم کلام در مراکز آموزشی و پژوهشی متعدد دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی از جمله مراکزی است که با تشکیل گروه تخصصی تفسیر و کلام و جذب هیئت علمی، به برگزاری دوره‌های آموزشی در مقاطع گوناگون و پژوهش‌های مفصل تفسیری و کلامی پرداخته است.

وضعیت نظام آموزشی حوزه از یک سو و نسبت آن با نظام آموزشی رقیب، یعنی دانشگاه، و نسبت آن دو با جامعه از سوی دیگر، موضوعی است که نیازمند بررسی است. نظام آموزشی حوزه پس از انقلاب اسلامی تحول یافت و تا حدی - دست کم به لحاظ اداری - سامان یافت. البته این نظام جدید آموزشی همچنان اشکالات فراوانی دارد؛ از جمله اینکه از زمان خود عقب مانده است و دیگر اینکه از نیروی انسانی حوزوی استفاده بهینه نمی‌شود. این امر زمینه حضور نیروهای حوزوی در عرصه‌های غیرمرتبط یا فرعی را در پی داشته است؛ حال اینکه هزاران استعداد برجسته در میان طلاب فاضل وجود دارد که اگر اندکی به آنان توجه شود و هر کدام در جای خود قرار گیرند و کار بایسته‌ای از آنها خواسته شود، از هدررفت وقت آنان در امور زاید جلوگیری می‌شود و هر کدامشان خواهند توانست بخشی از این خلأ را پر کنند (حسینی‌خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴).

#### ۱۴-۳. تقسیم کار علمی

گسترده شدن فقه، ضرورت تقسیم کار را دوچندان کرده است. در گذشته علم فقه بسیار محدود بود و شیخ طوسی با نوشتن کتابی به نام *المبسوط* آن را توسعه داد. در طول تاریخ نیز پیوسته بر حجم فقه افزوده شد؛ تاجایی که در دوره معاصر، هنگامی که نجفی تصمیم به تدوین یک دوره کامل فقه گرفت، به زحمت توانست از حدود بیست سالگی تا اواخر عمر خود این کار را به انجام رساند. کتاب او که *جوهر* نام دارد، در شش جلد بسیار حجیم منتشر شده است؛ به طوری که تمام کتاب *المبسوط* شیخ طوسی، احتمالاً از نصف یک جلد *جوهر* کوچک‌تر باشد (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۱۸۴). در دوره کنونی، علم فقه بسیار گسترده‌تر از آن است که یک نفر یا حتی یک گروه در عمر علمی خود قادر به بررسی و تدوین همه ابواب آن باشند؛ از این رو مراکز فقهی تخصصی شکل گرفته‌اند که در یک تقسیم کار نه‌چندان رسمی به تربیت متخصص و انجام پژوهش‌های تخصصی در عرصه فقه اشتغال دارند. مراکز تخصصی حدیث، تفسیر و کلام نیز، هم در حوزه و هم در مؤسسات اقماری آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

#### ۱۵-۳. پایگاه اجتماعی علما

غلبه گرایش اصولی اجتهادی در این دوره، زمینه را برای ایجاد رابطه مجتهد - مقلد آماده کرد و ارتباط بین عالمان و مردم و همچنین ارتباط عالمان دینی در سرزمین‌های دور، پیدایش مرجعیت واحد در زمان شیخ انصاری و میرزای شیرازی و ارتقای پایگاه اجتماعی فقها را به دنبال داشت.

علم فقه با قرار گرفتن در موقعیت مرجعیت، جایگاه متمایزی نسبت به سایر علوم می‌یابد. مقام مرجعیت، از یک سو ریاست مهم‌ترین مراکز علمی و از سوی دیگر رهبری دینی جامعه و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی و در برخی موارد



پاسخ‌گویی به مسائل اجتماعی و سیاسی را بر عهده دارد. پایگاه اجتماعی ناشی از قرار گرفتن فقیه در موقعیت مرجعیت، میزان دسترسی او به منابع نادر اجتماعی را افزایش می‌دهد و زمینه ایجاد نقشی مهم در تحولات تاریخی علوم اسلامی را برای او فراهم می‌آورد. مرجعیت آیت‌الله حائری، آیت‌الله بروجردی، امام خمینی<sup>ع</sup> و رهبری معظم انقلاب، تأثیر مهمی در رونق علوم اسلامی داشته است.

از جمله مواردی که حاکی از منزلت اجتماعی بالا برای فقهاست، می‌توان به قدرت و منزلت اجتماعی ملاعلی کنی اشاره کرد. ساموئل در خاطرات خود می‌نویسد: ملاعلی کنی با جایگاه ملکوتی خود در میان مردم، به راحتی قادر به خلع شاه بود. سربازان ایرانی حاضر در سفارت به ما می‌گفتند که ما برای محافظت از شما اینجا هستیم؛ اما اگر حاجی ملاعلی امر کند، همه شما را می‌کشیم (ساموئل، ۱۳۶۳، ص ۴۹۹). مواجهه جامعه ایران و عراق با رحلت میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ نمونه‌ای دیگر از این دست است. رحلت ایشان در سامرا و دفن ایشان در نجف، ایران و عراق را سراپا غرق ماتم کرد؛ بازار تعطیل شد و در همه مساجد و کوچه و بازار مجالس ختم برگزار شد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۰). نمونه دیگر از این گونه رویدادهای اجتماعی و سیاسی، در پی رحلت آیت‌الله بروجردی بوده است. با رحلت ایشان، سفرا و نمایندگان کشورهای اسلامی ابراز همدردی کردند؛ کشورهای شوروی، آمریکا و انگلیس پرچم‌های سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خود را در ایران به نشانه احترام به صورت نیمه‌افراشته نگه داشتند (دوانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۳۲).

البته میان عملکرد فقهای این دوره در عرصه استفاده از مزایای پایگاه اجتماعی تفاوت‌هایی هم وجود دارد که بیشتر آگاهانه و معطوف به شرایط سیاسی - اجتماعی بوده است. برای نمونه، هنگامی که یکی از درباریان سرشناس در دیدار حضوری با شیخ انصاری، از ملاعلی کنی انتقاد کرد که «او ثروتمند است و با شما خیلی فرق دارد»، شیخ انصاری خیلی ناراحت شد و فرمود: «باید از این حرف‌ها استغفار کنی. میان من و او خیلی فاصله است. من سروکارم با طلبه‌هاست و اگر بخواهم در رفاه زندگی کنم، طلبه‌ها به درس خواندن رغبتی نشان نمی‌دهند. باید سطح زندگی من با وضع آنها هماهنگ باشد؛ ولی حاج ملاعلی کنی سروکارش با شما سلاطین و اشراف است. او باید آن‌گونه باشد و من باید این‌گونه زندگی کنم» (شبیبری، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

بنابراین در خصوص زمینه‌های اقتصادی نباید به موقعیت و کنش‌های شخصی فقهای خاص یا مراجع توجه کرد؛ چراکه بیشتر آنها مثل شیخ انصاری با وجود وجوهات شرعی نسبتاً فراوان که نزد آنها بود، زندگی خود را مطابق پایین‌ترین سطح افراد جامعه مدیریت می‌کردند و حتی اموالی را که به‌عنوان هدیه به آنها می‌دادند، میان طلاب و نیازمندان تقسیم می‌کردند (عقیقی بخشایشی، ص ۳۲۷). چنان که نقل شده است، روزی که شیخ انصاری از دنیا رفت، تنها هفده تومان دارایی از او به‌جا مانده بود که خرج ادای دیون او شد و بازماندگانش هزینه برگزاری مجلس ترحیم و بزرگداشت او را نداشتند (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۱۹۲).

اما پایگاه اجتماعی علمای دیگر و طلاب به‌طور کلی در این دوره فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. شعرانی

بر این باور بود که مردم به ندانستن معارف الهی مباحثات می‌کنند؛ دنیاگرایی بر جامعه حاکم شده است و به تبع آن، علمی ارزشمند تلقی می‌شوند که ثروت بیشتری به دنبال داشته باشند و علمی که فایده دنیایی ندارند، متروک شده‌اند؛ حتی در خصوص فراگیری برخی از علوم، مثل تفسیر قرآن، به دلیل زبانی که به اعتبار و شهرت افراد می‌زند، به صراحت یکدیگر را از آن نهی می‌کنند؛ زیرا به باور این گروه، علمی مثل تفسیر و حدیث قدر و منزلتی ندارند و در مقابل، علمی مثل اصول فقه و فقه به دلیل پرداختن به امور دنیوی و حل مسائل مربوط به زندگی اجتماعی، منزلت و درآمد به دنبال دارد (شعرانی، ۱۳۸۹، ص ۸-۱۰). به طور کلی منزلت اجتماعی علما در دوره پهلوی به دلیل تقلیل نقش‌های اجتماعی و تبلیغات مسموم، کاهش یافت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد ارتقای چشمگیر منزلت روحانیت هستیم. منزلت اجتماعی روحانیت به دلیل دینی بودن حکومت، نسبت نزدیکی با موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی نظام یا ناکارآمدی آن دارد؛ همچنین عملکرد روحانیت نیز عامل مؤثری در این عرصه است؛ اما مهم‌ترین نقش را در دهه اخیر، فضای مجازی و شبهه‌افکنی‌های فراوان آن بازی می‌کند. عامل مؤثر دیگر در منزلت اجتماعی روحانیت، میزان دین‌داری مردم است.

## نتیجه‌گیری

عوامل معرفتی، فردی و اجتماعی - سیاسی در این دوره رونق علوم اسلامی را رقم زده است؛ اما یکی از عوامل مهم و بی‌سابقه در تاریخ، حضور فرهنگ غرب است که علما را در مواجهه با آن به دسته‌های مختلفی تقسیم کرده است: دسته اول، اندیشمندانی که به غرب و علم مدرن بی‌اعتنا بوده و بدون توجه به مسائل علمی و اجتماعی جدید، با همان شیوه‌های سنتی به علوم اسلامی اشتغال داشته‌اند و دغدغه پاسخ‌گویی به نیازها و چالش‌های جهان اسلام را ندارند. جریان‌های اخباری و تفکیکی در این دسته جای می‌گیرند.

دسته دوم، اندیشمندانی که با به‌کارگیری روش‌های معمول در علوم اسلامی می‌کوشند مسائل علمی و اجتماعی و چالش‌های پیش روی جهان اسلام را پاسخ گویند. رونق علم در دوره معاصر مرهون تلاش این دسته است که در یک مواجهه فعال در پی استفاده از نقاط قوت غرب و پرهیز از آسیب‌های آن هستند.

دسته سوم، اندیشمندانی هستند که با همدلی علم غربی را پذیرفته‌اند و می‌کوشند با تفسیرهای مدرن، علوم اسلامی را با تفکر غربی همراه کنند. برداشت‌های مارکسیستی، لیبرالیستی، فمینیستی و... در زمینه حدیث، تفسیر، فقه و کلام در این دسته قرار دارد.

## منابع

- ابوطالبی، مهدی، ۱۳۹۵، *عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی*، تهران، کانون اندیشه جوان.
- استادی، رضا، ۱۳۸۳، *آشنایی با تفاسیر*، قم، قدس.
- اکبرنژاد، محمدتقی، ۱۳۹۵، *زوائد اصول فقه: بررسی زوائد علم اصول فقه*، قم، دارالفکر.
- ایازی، محمدعلی، ۱۳۸۱، «اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان»، *بینات*، ش ۳۴، ص ۷۳ - ۸۵.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، *سیر تطور تفاسیر شیعه*، رشت، کتاب مبین.
- آذرشب، محمدعلی، ۱۳۸۴، *پیشینه تقریب*، ترجمه رضا حمیدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۶، *بررسی مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بکار، عثمان، ۱۳۸۷، *تاریخ و فلسفه علوم اسلامی*، ترجمه محمدرضا مصباحی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پارسانیان، حمید، ۱۳۸۶، *هفت موج اصلاحات: نسبت تئوری و عمل*، قم، بوستان کتاب.
- تهرانی، آقازرگ، ۱۳۶۳، *میرزای شیرازی*، ترجمه اداره پژوهش و نگارش، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- جبریلی، محمدرضا، ۱۳۸۹، *سیر تطور کلام شیعه*، دفتر دوم: از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۷، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران*، تهران، مؤسسه خانه کتاب.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، *برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، *کلام جدید*، در کلام جدید در گذر اندیشه‌ها، به اهتمام علی اوجبی، تهران، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۵، ص ۱۷ - ۳۴.
- حسینی‌طهرانی، محمدحسین، ۱۳۸۰، *مهر تابان*، مشهد، علامه طباطبایی.
- حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی، *بیانات رهبری معظم در دیدار مدرسان*، مشهد، ۱۳۶۸/۴/۲۰.
- \_\_\_\_\_، *بیانات رهبری معظم در دیدار جمعی از نخبگان حوزی*، ۱۳/۹/۱۳۷۴.
- خمینی، احمد، ۱۳۷۵، *دلیل آفتاب؛ خاطرات یادگار امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۰، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- درودی، موسی، ۱۳۶۲، *نخستین مفسران پارسی نویسی*، تهران، نور فاطمه سلام الله علیها.
- دوانی، علی، ۱۳۷۶، *خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، *مفاخر اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- رضوی، رسول، ۱۳۹۶، *تاریخ کلام امامیه: حوزه‌ها و جریان‌های کلامی*، قم، چاپ و نشر.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، «ادوار تاریخی علم کلام اسلامی»، *معارف عقلی*، ش ۳، ص ۴۵ - ۶۶.
- رمضان‌زگسی، رضا، ۱۳۸۹، *تبیین جامعه‌شناختی انقلاب مشروطه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زهره کاشانی، علی اکبر، ۱۳۹۴، *تاریخ ۱۲۰+ ساله حوزه علمیه قم*، قم، حوزه و دانشگاه.
- ساموئل‌گرین، ویلبرنجامین، ۱۳۶۳، *ایران و ایرانیان*، تهران، گل‌بانگ.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۷، *تاریخ فقه و فقه‌های امامیه*، ترجمه حسن جلالی، تهران، دانشگاه امام صادق.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۸ق، *موسوعه طبقات الفقهاء، المقدمه، الفقه الاسلامی منابعه و ادواره*، القسم الاول، قم، مؤسسه امام صادق.
- سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۷، «کلام شیعی ماهیت، تحولات و چالش‌ها»، *اخبار تسبیحان*، ش ۳۸، ص ۱۰ - ۱۵.
- شیرازی، سیدموسی، ۱۳۷۴، «بعاد شخصیت شیخ انصاری»، در: *کنگره جهانی بزرگداشت دوستمین سالگرد شیخ انصاری*.
- شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲، *گنجینه دانشمندان*، تهران، اسلامیه.

- شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۸۹، کشف المراد، ترجمه و شرح تجرید الاعتقاد، تهران، هرمس.
- صاحبی، محمدجواد، ۱۳۷۶، اندیشه‌های اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، چ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدر، محمدباقر، ۱۴۲۱ق، المعالم الجدیدة للاصول: غایه الفکر، اعداد و تحقیق لجنه التحقیق التابعه للمؤتمر العالمی للامام صدر، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۵۹، همراه با تحول اجتهاد، ترجمه اکبر نبوت، تهران، روزبه.
- طالقانی محمود، ۱۳۲۷، مقدمه تنبیه الامه و تنزیه المله، یا حکومت از نظر اسلام، ترجمه محمدحسین نائینی، تهران، سهامی انتشار.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، میزان، قم، بیروت.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۱، تاریخ و روش تفسیر در قرآن بضمیمه اعجاز قرآن، بی‌جا، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، شیعه (مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین)، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، چ سوم، قم، بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۰، تاریخ حدیث شیعه (۲)، عصر غیبت، قم، دارالحدیث.
- طهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۴ق، طبقات اعلام الشیعہ، مشهد، دارالمرتضی.
- عبیری، عباس، ۱۳۸۰، آیه الله بروجردی: زعیم بزرگ، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- عظیمی، حبیب‌الله، ۱۳۸۱، «پیشنهادی در ادوار تحولات فقه امامیه، الهیبت، ش ۵۷، ص ۱۲۶ - ۱۵۶.
- عقیقی‌بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۷۱، طبقات مفسران شیعه، قم، نوید اسلام.
- علوی، سیدمحمدحسین، ۱۳۴۱، خاطرات زندگانی آیت‌الله بروجردی، تهران، اطلاعات.
- عین‌السلطنه، سالور، ۱۳۷۴، روزنامه خاطرات، ج ۱، تهران، اساطیر.
- غروبان، محسن، بی‌تا، مقدمه در ترجمه و تبیین بدایه الحکمه، قم، دارالفکر.
- لنکرانی، فاضل، ۱۳۸۱، سیری کامل در خارج فقه معاصر: کتاب القضاء، با استفاده از دروس خارج فقه... فاضل لنکرانی، قم، فیضیه.
- فرامرزی کرملکی، احد، ۱۳۷۵، تحلیل مفهوم تجدد در کلام جدید در گذراندیشه‌ها، به اهتمام علی اوجویی، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
- فرمانیان، مهدی، ۱۳۹۵، سلفیه از گذشته تا حال، قم، ادیان و مذاهب.
- کریمی جهرمی، علی، ۱۳۷۲، آیت‌الله موسس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، قم، دارالحکمه.
- گلستانی، صادق، ۱۳۹۴، «بررسی تحلیلی سیر تفسیر اجتماعی قرآن کریم در قرن اخیر»، معرفت فرهنگی، ش ۲۵، ص ۹۹-۱۲۱.
- مدرس، محمدعلی، ۱۳۳۵، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب یا کنی و القاب، بی‌جا، طبع کتاب.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، خدائشناسی در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، ده گفتار، رهبری نسل جوان، تهران، صدرا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۷، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۹، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.
- مکارم‌شیرازی، ناصر، ۱۳۸۱، تفسیر نمونه با همکاری جمعی از فضلاء و دانشمندان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مؤدب، رضا، ۱۳۸۴، تاریخ حدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- نجفی، موسی، ۱۳۸۴، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱، اندیشه تحریم و خودباوری تحلیل متون و اسناد تاریخی اقتصاد مقاومتی در تحولات سیاسی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نفیسی، شادی، ۱۳۹۷، جریان‌شناسی تفسیر علمی، قم، حوزه و دانشگاه.

نیکوبرش، فرزانه، ۱۳۸۱، بررسی عملکرد سیاسی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تهران، امیر کبیر.  
واعظزاده خراسانی، محمد، ۱۳۸۶، «وحدت و انسجام اسلامی از نگاه آیت الله بروجردی»، کیهان فرهنگی، ش ۲۵۷، ص ۲۰ - ۲۵.  
\_\_\_\_\_، ۱۳۹۷، زندگی و مکتب فقهی اصولی حدیثی و رجالی آیت‌الله العظمی بروجردی، به کوشش جلا میرآقائی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

وفایی، مرتضی، ۱۳۸۷، تاریخ حدیث شیعیه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز، قم، دارالحدیث.

یداله‌پور، بهروز، مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن، قم، دارالعلم.

<http://hadith.net>

<http://www.reyshahri.ir/post/51380>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی